

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ

عنوان:

تاریخ نگاری ابن ابی الحدید

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حسین مفتخری

استادان مشاور:

جناب آقای دکتر حسن حضرتی

جناب آقای دکتر سید علیرضا واسعی

پژوهش از:

۱۳۸۷ / ۱۵ / ۱۲

فاطمه سرخیل

۱۳۸۲

۱۵۱۴۷۵



صورت جلسه دفاع از پایان نامه تحصیلی

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه خانم آقای علی محمد سرخسلی دانشجوی رشته تاریخ گرایش اسلام در مقطع کارشناسی ارشد تحت عنوان تاریخ نگار ابن ابی الحدید در تاریخ ۱۳۰۹/۰۹/۰۸ با حضور هیأت داوران دانشگاه باقر العلوم (ع) برگزار گردید. نظر هیأت داوران به شرح زیر اعلام می گردد:

غیر قابل قبول

دفاع مجدد

قبول با امتیاز عالی
نمره ۱۹.۸۰

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
(۱) استاد راهنما	حسین مشتغری	دانشیار	
(۲) استاد مشاور (۱)	حسن حضرت	استاد	
(۳) استاد مشاور (۲)	سید علی باقی	استاد	
(۴) استاد ناظر	حسن الوری	استاد	
(۵) نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی حضرت جباری		استاد	

نام و امضای

مدیر برنامه ریزی و خدمات آموزشی

نام و امضای

مسئول پایان نامه ها

توضیح: با توجه به آیین نامه پایان نامه های دانشگاه امتیاز پایان نامه ها به شرح زیر مشخص می گردد.

الف) کارشناسی	ب) کارشناسی ارشد
۱ - نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی	۱ - نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی
۲ - نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب	۲ - نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب
۳ - نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب	۳ - نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب
۴ - نمره ۱۰ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول	۴ - نمره ۱۲ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول
۵ - نمره کمتر از ۱۰ غیر قابل قبول	۵ - نمره کمتر از ۱۲ غیر قابل قبول

محاسبه میانگین ارزشیابی اعضای هیأت داوران توسط نماینده شورای پژوهشی انجام می گیرد.

تقديم به:

امام العارفين، مولى الموحدين، امير المؤمنين، حضرت على بن ابي طالب (عليه السلام)

تقدیر و تشکر

سپاس و ستایش خداوندی را سزااست که در دست هایم پذیرهای دانستن را رویاند و دیده را به نور دانستن و معرفت روشن گرداند. بی شک گام نهادن در عرصه تحقیق، مرهون تلاش جمعی است که نقش هرکدام از آن ها کلیدی بوده لذا از همه اساتید و بزرگانی که مرا وارد این عرصه نمودند و رهنمودهایشان راه گشای این جانب در طول سال های تحصیل بوده، تشکر و قدردانی می کنم.

از استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر مفتخری و استادان مشاور ارجمند جناب آقای دکتر حضرتی و جناب آقای دکتر واسعی که با راهنمایی ها و همراهی های عالمانه خود و با سعه صدر و دقت فراوان مرا در روند اجرایی این پژوهش یاری دادند کمال سپاس و تشکر را می نمایم.

همچنین بر خود لازم می دانم از خانواده عزیز و گرامیم که تشویق و همراهی ایشان صعوبت کار را بر من آسان نمود، تشکر و قدردانی ویژه نمایم.

چکیده

ابن ابی الحدید به عنوان شارح نهج البلاغه بخش عمده ای از کتاب خویش را به مباحث تاریخی اختصاص داده است. او در دوره ای از تاریخ اسلام می زیست که جامعه اسلامی، به دلیل تهاجم مغول، بخشی از میراث علمی خویش را از دست داد و کتاب شرح نهج البلاغه عملاً منتقل کننده داده های تاریخی پیشینیان به صورت روشمند به ادوار بعدی می باشد. از این رو لازم بود تا رویکرد وی به تاریخ نگاری بررسی شود. این رساله بر همین اساس به اندیشه تاریخی او روی کرده و در چهار فصل در پی اثبات این فرضیه است که «مبانی تاریخ نگاری ابن ابی الحدید بر عقل گرایی معتزلی همراه با نگرش انتقادی متأثر از دخالت ارزش ها استوار است.»

مطالب مطرح شده در فصل های این پژوهش نشان می دهد که منابع و مصادر در نزد ابن ابی الحدید از اهمیت زیادی برخوردار بودند و در اثر وی جایگاهی برجسته دارند و براساس اصول رایج نقد راوی و روایت به ابعاد مختلف نقد توجه کرده است.

او تاریخ را در مفهومی فلسفی - کلامی که می توان آن را فلسفه نظری تاریخ قلمداد کرد، شناخته است. ابن ابی الحدید همانند بسیاری دیگر از مورخان مسلمان به فلسفه انتقادی تاریخ به صورت خاص و تعریف شده نپرداخته و مباحثش را با رویکردی کلامی آورده است. البته این بدان معنا نیست که او نگرش انتقادی نداشته؛ بلکه بدان معنا است که وی همچون مورخی حرفه ای به تعریف از تاریخ، سازوکار پیدایی علم تاریخ، جایگاه مورخ در پیدایی این علم و مسائلی از این قبیل نپرداخته است و نگرش انتقادی او در شرح نهج البلاغه از آن جهت حائز اهمیت می باشد که به برخی از مؤلفه های مطرح در فلسفه انتقادی تاریخ توجه و اشاراتی دارد.

با این که ابن ابی الحدید در دستگاه خلافت می زیست و طبعاً در تاریخ نگاری نمی توانست از توجه به باورها و گرایشات آنان بدور باشد و عملاً خواسته ها و ارزش های عباسیان را در نظر داشت. اما چون معتزلی و اهل اندیشه بود، تاریخ را با نگاهی عقلی نگریسته و در تبیین و توضیح رویدادها بحث عقل را مورد توجه قرار داده و نگرشی انتقادی به رویدادها داشته است.

واژگان کلیدی

ابن ابی الحدید - معتزله - تاریخ نگری - تاریخ نویسی - تاریخ نگاری

فهرست مطالب

مقدمه: طرح تحقیق

۵	بیان مسأله
۵	علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن
۵	سابقه پژوهش
۶	سؤال اصلی پژوهش
۶	فرضیه پژوهش
۶	مفاهیم و متغیرها
۷	سؤالات فرعی پژوهش
۷	پیش فرض های پژوهش
۷	اهداف پژوهش
۷	روش پژوهش
۸	روش گردآوری اطلاعات
۸	سازمان دهی پژوهش
۹	بررسی منابع و مآخذ
۱۲	چارچوب مفهومی
۱۸	فصل اول: زندگی و زمانه
۹	مدخل
۱۹	نگاهی بر اوضاع سیاسی، اجتماعی پایانی حکومت عباسی (۶۵۶-۵۸۶)
۲۰	الناصرالدین الله (۶۲۲-۵۷۵)
۲۲	ابونصر محمد الظاهر بامرالله (۶۲۳-۶۲۲)
۲۳	المستنصر بالله (۶۴۰-۶۲۳)

۲۴	المستعصم بالله (۶۵۶-۶۴۰).....
۲۷	حیات ابن ابی الحدید.....
۳۱	مذهب ابن ابی الحدید.....
۳۳	تألیفات ابن ابی الحدید.....
۳۶	جمع بندی.....
۳۷	فصل دوم: تاریخ نگری.....
۳۸	مدخل.....
۳۸	فلسفه نظری تاریخ از دیدگاه ابن ابی الحدید.....
۳۹	مفهوم تاریخ در نزد ابن ابی الحدید.....
۴۰	برگزیدن آدم؛ آغاز تاریخ.....
۴۵	مسیر و ماهیت حرکت تاریخ.....
۴۹	غایت و نهایت تاریخ.....
۵۲	فلسفه انتقادی تاریخ در شرح نهج البلاغه.....
۵۲	- تقابل عقل گرایان و اصحاب حدیث.....
۵۶	- نمونه هایی از نگرش عقلانی ابن ابی الحدید در تبیین و تحلیل رویدادها.....
۵۹	عینیت و ارزش پذیری در نقادی های ابن ابی الحدید.....
۶۰	الف: گرایش های فکری.....
۶۲	ب: موانع و محدودیت های سیاسی.....
۶۳	جمع بندی.....
۶۴	فصل سوم: تاریخ نویسی.....
۶۵	مدخل.....
۶۶	ادبیات نگارشی.....
۶۷	نقد منابع و مصادر شرح نهج البلاغه.....
۷۵	فهرست منابع و مصادر شرح نهج البلاغه.....
۱۰۳	رخدادهای تاریخی در شرح نهج البلاغه.....
۱۱۳	جمع بندی.....
۱۱۴	فصل چهارم: تاریخ نگاری.....
۱۱۵	مدخل.....
۱۱۵	مبانی تاریخ نگاری اسلامی تا قرن هفتم.....

۱۱۹	پیش زمینه های تاریخی تأثیرگذار در فهم تاریخی ابن ابی الحدید.....
۱۲۳	هدف ابن ابی الحدید از رویکرد تاریخی به نهج البلاغه.....
۱۲۵	روش ابن ابی الحدید در نقادی های تاریخی.....
۱۲۶	- ابن ابی الحدید و نقد راوی.....
۱۲۷	الف: معرفی و شناخت وابستگی های سیاسی و اجتماعی راوی.....
۱۲۹	ب: استفاده از جرح و تعدیل در شناخت راوی.....
۱۳۱	ج: فاصله زمانی و مکانی راوی و روایت.....
۱۳۲	- ابن ابی الحدید و نقد روایت.....
۱۳۳	الف: فهم معانی با توجه به سیر تحول زبان.....
۱۳۴	ب: اصالت روایت از نظر نوع زبان و ادبیات متداول.....
۱۳۷	ج: بررسی تطبیقی روایات و مقایسه با برداشت های خود.....
۱۴۲	هـ: بررسی نوع خیر.....
۱۴۵	و: برملا ساختن جعل های عمدی و غیر عمدی متن.....
۱۵۰	ز: توجه به عنصر زمان.....
۱۵۲	جمع بندی.....
۱۵۴	نتیجه.....
۱۵۹	منابع و مأخذ.....

مقدمه

طرح تحقیق

بیان مسأله

عبدالحمد هبة الله (۵۸۶ق - ۱۹۰ میلادی) مشهور به ابن ابی الحدید در خانواده ای اهل دانش در شهر مدائن زاده شد. پس از تحصیلات مقدماتی به معتزله گرایش یافت و اندیشه ایشان را چنان آموخت که خود در آن باره اهل نظر شد و از بزرگان معتزله گردید. او در بغداد مورد توجه دولتمردان عباسی قرار گرفت و عهده دار مشاغل حکومتی گردید. با این حال هرگز از دانش اندوزی و خردورزی باز نایستاد، آن چنان که در شناخت و بررسی تاریخ صدر اسلام صاحب نظر شد. در این پژوهش به بررسی ابعاد مختلف تاریخ نگاری او در شرح نهج البلاغه خواهیم پرداخت و مشخص خواهیم نمود که چه مؤلفه هایی بر پیش و روش تاریخی او حاکم بود.

علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

تاریخ نگاری هر قوم و ملتی بازتابی از نگرش نوع تفکر آن قوم و ملت به جهان، انسان و جامعه پیرامونی او است. تاریخ نگاری اسلامی ضمن این که نوع نگرش و بینش جامعه اسلامی و به اصطلاح تاریخ نگری مسلمانان هر عهد و دوره ای را در خود دارد، تحول و تداوم ساختاری جوامع اسلامی را باز می نمایاند. ابن ابی الحدید که در عصر پایانی خلافت عباسی می زیست اثر قابل توجهی در تاریخ نگاری پدید آورد هرچند که اثر او محدود به تاریخ نبوده و دایرة المعارفی از علوم مختلف شمرده می شود، از این جهت که بعد تاریخی آن پر رنگ بوده و افزون بر این که بیشتر مطالبی که وی بدان پرداخته موضوعاتی تاریخی به شمار می آیند، اثر وی منبعی تاریخ نگارانه شمرده می شود و بازتابی از نوعی نگاه حاکم بر سالهای پایانی خلافت عباسیان می باشد. مهمترین جنبه تاریخ نگاری او در این نکته مشهود است که با وجود این که او معتزلی معتقدی است به شرح نهج البلاغه، گرانسنگ ترین کتاب شیعیان پرداخته و این شرح نزد بسیاری از شیعیان از جهات مختلفی مقبول می افتد. بررسی بینش و نگرش حاکم بر تاریخ نگاری ابن ابی الحدید باعث می شود تا نحوه برخورد او با مسائل مهم و مورد بحث در جهان اسلام و شیوه استفاده او از تاریخ برای نزدیکی مذاهب اسلامی آشکار شود. در واقع راهی که ابن ابی الحدید در مسیر تاریخ پیموده، می تواند راه را برای تقریب مذاهب اسلامی باز نماید تا بدین طریق بتوان در یک محیط آرام و بدون تعصبات فرقه ای به بحث و تبادل نظر در مورد مذاهب اسلامی مبادرت ورزید.

سابقه پژوهش

با تحقیقات گسترده ای که انجام گرفت، روشن شد که درباره تاریخ نگاری ابن ابی الحدید کتاب و مقاله ای به صورت مستقل و تک نگاری نوشته نشده و تحقیق مستقل و منسجمی درباره

این موضوع انجام نگرفته است. تنها درباره برخی از بخش های پژوهش آثاری یافت می شوند. که عبارتند از:

۱- احمد الربیعی در کتاب العذیق النضید به مصادر ابن ابی الحدید، بیشتر منابع و مصادر شرح نهج البلاغه را استخراج و به معرفی نویسندگان آن ها پرداخته است ولی چون در شناسایی مؤلفان بیشتر به الاعلام زرکلی رجوع نموده، این اثر حاوی برخی اشتباهات نیز می باشد. در این کتاب به روش پژوهش تاریخی ابن ابی الحدید هیچ اشاره ای نشده است.

۲- مقاله مصادر شرح النهج نوشته صفا خلوصی، بخشی از مصادر شرح نهج البلاغه را جستجو کرده است.

۳- جانشینان پیامبر (علیهم السلام) در پرتو شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، نوشته سید علیرضا واسعی، در این کتاب ابتدا کلیه داده های شرح نهج البلاغه درباره پنج خلیفه نخستین استخراج و سپس کلیه مآخذ و منابع این داده ها جستجو و نقد و ارزیابی شده است.

۴- مقاله روش شناسی ابن ابی الحدید نوشته محمود حیدری آقایی، نویسنده در این مقاله کوشیده است ضمن معرفی ابن ابی الحدید، شیوه پژوهش تاریخی او را به طور خلاصه نقد و بررسی نماید.

۵- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید المعتزلی رؤیة الاعتزالیة عن الامام علی (علیه السلام)، نوشته کاظم منشد النصرالله، در این کتاب به نقد افکار ابن ابی الحدید پرداخته شده و نشان می دهد که چگونه باورهای اعتزالی او مانع از تحلیل و تبیین صحیح کلام حضرت علی (علیه السلام) شده است.

سؤال اصلی پژوهش

رویکرد ابن ابی الحدید در تاریخ نگاری بر چه مبانی و اصولی استوار است؟

فرضیه پژوهش

مبانی تاریخ نگاری ابن ابی الحدید بر عقل گرایی معتزلی همراه با نگرش انتقادی متأثر از دخالت ارزش ها استوار است.

مفاهیم و متغیرها

متغیرها

متغیر مستقل: عقل گرایی معتزلی، نگرش انتقادی، دخالت ارزش ها

متغیر وابسته: مبانی تاریخ نگاری ابن ابی الحدید

مفاهیم

تاریخ نگاری: انعکاس زبانی ادراک تاریخی مورخ
عقل گرایی معتزلی: از نظر معتزله تمامی معارف در حیطه درک عقل قرار دارند و وجوب
خود را از عقل می گیرند.^۱

نگرش انتقادی: توصیف و تحلیل منطقی و فلسفی، عقلانی، معرفت شناختی رخدادهای
دخالت ارزش ها: باورها و اعتقاداتی که در فرد بوجود می آیند و ادراکات، عواطف و افعال
او را در جهت های معینی به جریان می اندازند.

سئوالات فرعی پژوهش

- ۱- عناصر مؤثر در فهم تاریخی ابن ابی الحدید کدامند؟
- ۲- تاریخ نگری ابن ابی الحدید چه جایگاهی در تاریخ نگاری او داشته است؟
- ۳- ابن ابی الحدید از چه روش هایی برای نقد و بررسی تبیین های تاریخی استفاده نموده
است؟
- ۴- رویکرد ابن ابی الحدید در استفاده از منابع و مصادر بر چه اصلی استوار است؟

پیش فرض های پژوهش

- ۱- ابن ابی الحدید از پیروان فرقه معتزله بغداد است.
- ۲- معتزله بغداد از دوستان اهل بیت پیامبر (ﷺ) هستند.

اهداف پژوهش

بررسی تاریخ نگاری ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی می باشد.

۱. ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ترجمه افضل الدین صدر ترکه اصفهانی، تصحیح سید محمدرضا
جلالی نائینی، تهران: اقبال، ۱۳۵۰، ص ۳۵

روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و با استفاده از نرم افزارهای تاریخی گردآوری شده است.

سازمان دهی پژوهش

این پژوهش از یک مقدمه، چهار فصل و نتیجه گیری تشکیل شده است.

مقدمه شامل طرح تحقیق و چارچوب مفهومی می باشد.

در فصل اول ضمن مروری بر زندگی ابن ابی الحدید، اوضاع سیاسی، اجتماعی روزگار وی مورد بررسی قرار گرفته و فعالیتهايش در مواجهه با اوضاع زمانه تحلیل و تبیین می شود.

در فصل دوم مفهوم تاریخ، فلسفه نظری و فلسفه انتقادی تاریخ نزد ابن ابی الحدید بررسی می شود.

در فصل سوم تمایز تاریخ نویسی از تاریخ نگاری مشخص شده و مهمترین ابعاد تاریخ نویسی ابن ابی الحدید مشخص می گردد.

در فصل چهارم ضمن بررسی آنچه که در ذهن و فکر تاریخی ابن ابی الحدید تأثیرگذار واقع شد و منجر به پدید آمدن مفهوم خاصی از تاریخ نزد وی گردید به بررسی روش نقد اخبار و داده های تاریخی به کار گرفته شده توسط ابن ابی الحدید می پردازیم.

بررسی منابع و مأخذ

در پژوهش حاضر به طور طبیعی کتاب شرح نهج البلاغه اولین و اساسی ترین منبع می باشد. این کتاب در بیست جلد (ده مجلد) براساس ترتیب و مطالب نهج البلاغه شکل گرفته است. در این کتاب ابن ابی الحدید به بهانه داده های تاریخی به تفصیل از مباحث تاریخی سخن به میان آورده است تا جایی که می توان بیش از نیمی از شرح نهج البلاغه را مطالعات تاریخی دانست و بر این اساس عمده یافته های این پژوهش بر داده های کتاب مذکور استوار است. در این پژوهش علاوه بر منبع فوق، به منظور تحقق اهداف اصلی و فرعی و تبیین فرضیه پژوهش، گروه های متعددی از منابع مورد استفاده قرار گرفتند. در یک نگاه کلی می توان این منابع را براساس ویژگی هایشان در چهار دسته جای داد.

الف: تاریخ های عمومی

برای بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی روزگار ابن ابی الحدید و وقایعی که تأثیر مستقیم با زندگی و اندیشه های او داشته اند به برخی از تواریخ عمومی مراجعه شد که مهمترین و قدیمی ترین این منابع عبارتند از: الکامل فی التاریخ، ابن اثیر (۶۳۰ هـ)؛ الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیه، محمد بن علی بن طباطبا معروف به ابن الطقطقی (۷۰۹ هـ)؛ جامع التواریخ، رشید الدین فضل الله همدانی (۷۱۸)؛ الحوادث الجامعه، کمال السیدین عبدالرزاق بن احمد شیبانی ابن الفوطی (۷۲۳ هـ)؛ البدایه و النهایه، الحافظ ابی الفداء اسماعیل ابن کثیر (۷۴۴ هـ).

ب: کتاب های تراجم و رجال

این دسته از منابع در شناسایی و ارزیابی منابع شرح نهج البلاغه و روشن نمودن شخصیت و زندگی ابن ابی الحدید، مورد استفاده قرار می گیرند که مهمترین آن ها عبارتند از: الفهرست، ابن ندیم (۴۲۸ هـ)؛ رجال نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (۴۵۰ هـ)؛ اختیار معرفه الرجال و کتاب الفهرست، شیخ طوسی (۴۶۰ هـ)؛ کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حناجی خلیفه (۱۰۶۷ هـ)؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ طهرانی (۱۳۸۹ هـ).

ج: کتاب های ملل و نحل و آثار معتزله

برای شناخت فرقه معتزله و آشنایی با پیش زمینه های تاریخی و فکری ابن ابی الحدید به منابع ملل و نحل و آثار برجای مانده از معتزلیان مراجعه شد. منابعی مانند: الانتصار و الرد علی ابن راوندی، ابوالحسین الخیاط (۳۰۰ هـ)؛ شرح الاصول الخمسه و کتاب فضل الاعتزال و طبقات المعتزله، قاضی عبدالجبار (۳۲۰ یا ۳۲۵ هـ - ۴۱۴ یا ۴۱۵ هـ)؛ الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الناجیه، عبدالقاهر بن طاهر بغدادی (۴۲۹)؛ فرق الشیعه، موسی نویختی (اوایل قرن چهارم)

د: منابع تاریخ نگاری و فلسفه تاریخ

این بخش از منابع که قسمت عمده ای از مباحث این پژوهش بر اساس آن ها استوار است به دو دسته آثار محققان خارجی و داخلی قابل تقسیم هستند. مهم ترین کتاب هایی که در این بخش مورد استفاده قرار گرفته اند عبارتند از:

کتاب درآمدی بر فلسفه تاریخ تألیف مایکل استفورد ترجمه احمد گل محمدی، در این کتاب پس از بحث درباره چیستی فلسفه تاریخ و رابطه و نسبت میان تاریخ، فلسفه و علوم اجتماعی به بررسی مسائل و موضوع های بسیار مهم و پایداری مانند علت، تبیین، عینیت، حقیقت و معنا پرداخته شده است. در این پژوهش از مباحث این کتاب در در چارچوب مفهومی و فصول تاریخ نگری و تاریخ نگاری استفاده شده است.

کتاب فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری مجموعه ای از مقالات اندیشمندان خارجی چون مایکل استفورد و ... ترجمه حسین علی نوذری، در سه محور فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری است. این کتاب را می توان بخشی از نظریه های غربیان در حوزه تاریخ نگاری، روش شناسی در فهم و نوشتن تاریخ و فلسفه تاریخ دانست. در این پژوهش از مقالات این اثر در چارچوب مفهومی و فصول تاریخ نگری و تاریخ نگاری استفاده شده است.

کتاب چهار جلدی روش های پژوهش در تاریخ که به سرپرستی شارل ساماران تألیف یافته و توسط گروهی از مترجمان به فارسی برگردانده شده است. بیشتر نگاهی فنی و تکنیکی به پژوهش در تاریخ دارد اما از مباحث نظری مرتبط با این پژوهش خالی نیست. در این پژوهش از مطالب ارزشمند این اثر در چارچوب مفهومی و فصول تاریخ نگری و تاریخ نگاری استفاده شده است.

مجموعه مقالات دایرةالمعارف فلسفه به سرپرستی پل ادواردز و ترجمه بهزاد سالکی، مجموعه ای از مقالات اندیشمندان خارجی در زمینه فلسفه تاریخ است که از این اثر نیز در چارچوب مفهومی و فصول تاریخ نگری و تاریخ نگاری استفاده شده است. علاوه بر کتاب های پیش گفته، دسته ای از آثار نویسندگان داخلی، به شدت در این حوزه مورد استفاده قرار گرفته اند که از آن جمله است:

درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ نوشته علیرضا ملائی توانی، این کتاب به لحاظ معرفی ابعاد یک تاریخ نگاری کامل حائز اهمیت می باشد. در پژوهش حاضر از این کتاب در چارچوب مفهومی و فصل های تاریخ نگری و تاریخ نگاری استفاده شده است.

تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی تألیف حسن حضرتی، به مسائل اصلی تاریخ نگاری و ارائه تصویری کلی از روند تاریخ نگاری ایران و اسلام می پردازد. در این پژوهش از محتوای این کتاب در فصول تاریخ نگری و تاریخ نگاری استفاده شده است.

علم تاریخ در اسلام و کتاب دو جلدی علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی تألیف صادق آئینه وند به پیدایش علم تاریخ در اسلام و تحولات آن می پردازد و در این پژوهش برای آشنایی با ابعاد تاریخ نگاری در اسلام و روش پژوهش های تاریخی مورخین اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است.

تاریخ نگاری در اسلام تألیف سید صادق سجادی و هادی عالم زاده در مقیاسی کوچکتر به لحاظ حجم، شباهتی محتوایی به اثر فوق دارد و در همان زمینه مورد استفاده قرار گرفته است.

چارچوب مفهومی

پژوهش علمی در هر رشته قبل از هر چیزی نیازمند ارائه تعریفی دقیق از عناصر اصلی پژوهش است. تعریفی که نشان دهنده رهیافت ها، انتظارات و برداشت های ما از آن پژوهش و ترسیم کننده حدود و قلمرو آن باشد. در این پژوهش طبیعتاً این امر مستلزم آشنایی کافی با مفاهیم بنیادین علم تاریخ و شناخت کامل مؤلفه های اصلی و شکل دهنده آن است.

مفهوم تاریخ

در همه علوم و معارف بشری، نام علم با موضوع آن تفاوت دارد حال آن که واژه «تاریخ» لفظ مشترکی است که هم بر عنوان یک علم وهم بر موضوع آن اطلاق می شود. گاه کاربرد این واژه به معنای علم تاریخ و گاه به معنای رخدادها و تحولات زندگی بشر در گذشته است. پژوهشگران عرصه تاریخ نیز این دو مطلب را از هم تفکیک می کنند و تذکر می دهند که «موضوع تاریخ» از آگاهی داشتن به آن متفاوت است. استنفورد در این باره می نویسد: «در آغاز باید این نکته روشن شود که تاریخ یک چیز نیست، بلکه چندین چیز است. تاریخ هم عبارت است از چیزی که اتفاق می افتد (موضوع تاریخ) و هم تصویری که از آن در ذهن می سازیم (دانش تاریخ). تاریخ نخست همان چیزی است که ما می خواهیم باور کنیم که مجموعه ای باشد از رویدادها یا موقعیت های عینی، یا وجودهای قابل شناسایی و قابل تشخیص واقع شده در زمان و مکان معین. تاریخ دوم عبارت است از ذخیره، یادآوری، بازآفرینی و بازفهم آن رویدادها و بالاخره تأثیر آن ها بر شیوه ی برخورد ما با رویدادها و موقعیت های کنونی. با مسامحه، همه این موارد را می توان قلمرو تاریخ نامید.»^۱

تاریخ روند سیورورت و شدن آدمی است و آن عبارت از رخدادها، تحولات و اعمال واقعی انسان ها در گذشته است که در جهان روی داده است. موضوع و قلمرو مورد مطالعه علم تاریخ، «تاریخ» است. این علم می کوشد اجزاء و ابعاد تاریخ (یعنی پدیده های تاریخی) را مورد شناسایی، ارزیابی و تحلیل قرار دهد که فرآورده آن پژوهش های تاریخی است و دقیقاً همین عرصه، حوزه عمل مورخ است.^۲

تاریخ نگری

تاریخ نگاری مورخان را نمی توان مطالعه کرد مگر این که نخست به تاریخ نگری ایشان شناخت پیدا نمود. پژوهش های فلسفی در باب تاریخ، با توجه به دو معنا و مفهوم متفاوت واژه فلسفه تاریخ یا تاریخ نگری عنوانی است که بر دو نوع معرفت در باب اصطلاح تاریخ (معرفت

۱. مایکل استنفورد، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۴۲۱

۲. علیرضا ملاتی توانی، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶، ص ۲۰

درجه اول و معرفت درجه دوم) با دو نوع موضوع متمایز از همدیگر اطلاق می شود. نوع اول آن فلسفه نظری یا جوهری تاریخ و نوع دوم آن فلسفه تحلیلی یا انتقادی یا فلسفه علم تاریخ است.

الف: فلسفه نظری تاریخ (یا فلسفه جوهری تاریخ)^۱

در این معنا، فلسفه تاریخ درباره کل یا مجموعه تاریخ جهان به مثابه یک موجود زنده گفت و گو می کند. بنابراین، فلسفه نظری تاریخ، بر خلاف فلسفه علم تاریخ از معرفت های نوع اول و یا هستی شناسانه است و در عرض علم تاریخ قرار می گیرد نه در طول آن. برخی از فیلسوفان تاریخ تنها نوع فلسفه تاریخ را همین فلسفه نظری تاریخ می پندارند.^۲ فلسفه نظری یا جوهری تاریخ ناظر بر پژوهش در باب سیر گذشته پدیده های تاریخی و قانونمندی آنهاست و با علم تاریخ ارتباطی ندارد. فیلسوف تاریخ در فلسفه نظری تاریخ درصدد فهم معنا و هدف تاریخ، محرک و مکانیسم حرکت تاریخ، آغاز و انجام تاریخ است.^۳ فیلسوف نظری تاریخ در این راستا باید بتواند به سه پرسش اساسی پاسخ دهد:

۱. هدف و مقصد تاریخ چیست و تاریخ به چه سمتی حرکت می کند؟

۲. محرک و مکانیسم حرکت تاریخ چیست و بر اساس چه اهرم هایی حرکت می کند؟

۳. مسیر و منزل گاه های مهم و برجسته این حرکت کدام است؟

نگرشی اعتقادی به کل تاریخ، ارتباط تنگاتنگی با انسان شناسی دارد و بر موضع گیری های علمی انسان در زندگی او تأثیر گسترده ای می گذارد و ارزش در این باره می نویسد: «اگر تاریخ واجد هدف و دلیلی نباشد که بشر را وادارد که در سلسله رویدادهای تاریخی الگو و قواره ای جستجو کند، از نظر اخلاقی بسیار زنده است. اگر چنین الگو و قواره ای وجود نداشته باشد، در آن صورت همان طور که عموماً گفته می شود، رنج ها و مصائبی که تاریخ نویسان آن ها را توصیف می کنند بی هدف و بی مفهوم خواهد بود. در طبیعت بشر عنصر نیرومندی وجود دارد که علیه این گونه نتیجه گیری طغیان می کند.»^۴

ب: فلسفه علم تاریخ (فلسفه انتقادی یا تحلیلی تاریخ)^۵

این شاخه از تاریخ نگری به بررسی و ارزیابی تحلیلی علم تاریخ - صرف نظر از توجه به رخدادهای تاریخی می پردازد. این علم می کوشد تا روش های علم تاریخ و منطق علمی تاریخ را نقد

۱. Speculative Philosophy of history

۲. علیرضا ملائی توانی، پیشین، ص ۲۱

۳. حسینعلی نوذری، فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری، چاپ اول، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹، صص ۲۴-۲۵؛

عبدالکریم سروش، فلسفه تاریخ، چاپ دوم، تهران: ۱۳۵۸، ص ۷-۸

۴. دبلیو. اچ. والش، مقدمه ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه ضیاءالدین طباطبایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۳۴

۵. Critical Philosophy of history

وارزیابی کند؛ علم تاریخ را تعریف و تفاوت ها و شباهت های آن را با علوم دیگر بیان کند؛ به توصیف و تحلیل منطقی و فلسفی، عقلانی، معرفت شناختی و روش شناختی آثار مورخان بپردازد؛ اصل آگاهی ما نسبت به پدیده های گذشته - نه خود پدیده ها- را تحلیل کند و دربارۀ ماهیت و منطق تبیین های مورخان بحث نماید.^۱ فلاسفه تاریخ تحلیلی یا انتقادی، تاریخ را به معنای مطالعه گذشته مورد بررسی قرار می دهند و به مسائل متعددی توجه می کنند، از جمله این که: مورخان چه چیزی را شواهد، مدارک، یا تبیین تلقی می کنند؛ آیا نتایج و دستاوردهای آنان واجد حقیقت عینی است یا خیر.^۲ توجه به علت رخدادهای، عینیت داده های تاریخی و دخالت عقل و ارزش ها در پژوهش های تاریخی موضوعات مهم فلسفه انتقادی می باشند.

تاریخ نگاری و عوامل مؤثر در آن

تاریخ نگاری معادل historiography شعبه ای از علم تاریخ است و قدمتی همانند این علم دارد. از زمانی که بشر درصدد به حفظ و نگارش تاریخ پرداخت تاریخ نگاری پدید آمد. تاریخ نگاری بر اساس درجه ژرف نگاری و تعمق مورخ به لحاظ شکل ظاهر و ماهیت درون از سطوح مختلفی برخوردار است. موارد اصلی در شکل گیری نوع تاریخ نگاری عبارتند از:

الف - زمان: دوره تاریخی زندگانی مورخ با ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی فضایی به وجود می آورد که شخصیت فکری و علمی مورخ در آن فضا رشد پیدا می کند.

ب - مکان: اغلب ساکنان سرزمین ها خلق و خوی و عادات و اندیشه های نسبتاً مشترکی دارند و مورخی که با این اشتراکات رشد و نمو پیدا می کند براساس جغرافیای خاص، دارای عصیت و اندیشه های خاصی می تواند باشد.

ج - پیروی از دین و مذهب خاص: دین و مذهب به دلیل تأثیرات اساسی که در هستی شناسی مورخان دارند یکی از عوامل تأثیر گذار در تبیین تاریخ محسوب می شوند. غلبه وجوه فکری خاصی از دین مانند فلسفه، کلام و تصوف می تواند تفاوت هایی در تاریخ نگاری مورخان ایجاد نماید. این تفاوت بسته به میزان تعمق مورخ و ورود وی به سطوح عمیق هستی شناسی در درون حوزه های خاص فکری و مذهبی بستگی دارد.

د - پایگاه و منزلت اجتماعی و سیاسی: منزلت سیاسی مورخ و جایگاه اجتماعی اش در تاریخ نگاری انعکاس می یابد. شرکت در امور دیوانی، قضاوت و محدث یا مفسر بودن مورخ موجب پدید آمدن تاریخ نگاری های متفاوتی می شود.

۱. همان؛ پل ادواردز، فلسفه تاریخ (مجموعه مقالات)، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵، ص ۳

۲. حسینعلی نوذری، پیشین، ص ۲۴